



The Limitations on the Principle of Transparency in Quran and Public Law of Iran

Nasrin Kordnejad¹

Golamali Ghasemi²

Received: 13/01/2019; Accepted: 28/04/2020

Abstract:

Transparency as the free circulation of political, social and economic information has a key role in the governance. There are some exceptions for this principle in the public law. In this article, these exceptions have been studied by referring to the Iranian public law specially the IRI Constitution. Then, in order to clarify the Islamic approach in this regard, the subject is followed in Quran and Islamic narrations. The findings of this article that is conducted in a descriptive-comparative method, demonstrate that this principle has not been accepted absolutely in Quran and Islamic narrations and some limits are taken into account for it that can be divided into public law and the fundamentals of Islam domains. These limitations in the public law domain can be understood from those ayahs of Quran and narrations referring to the protection of sanctity and respect and those prohibiting the propagation of prostitution and rumors disrupting the independence and disclosure of military secrets as well. Furthermore, the limitations relating to fundamentals of Islam are deduced from ayahs and narrations on prohibition of insulting Islamic sanctities and publishing illusory books and weakening the beliefs of.

Keywords: Transparency, Limitations on Transparency, Right of Access to Information, Public Law.

1. Ph. D. in Comparative Interpretation; Assistant Professor, Faculty of Theology and Education, Hoda University (Corresponding Author); Email: N.kordnejad@yahoo.com
2. Associate Professor, Department of International law, Faculty of Law, University of Qom.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

محدودیت‌های اصل شفافیت در قرآن و حقوق عمومی ایران

نسرين كردنژاد^۱

غلامعلي قاسمي^۲

تاریخ دریافت ۹۷/۱۰/۲۳ - تاریخ پذیرش ۹۹/۰۲/۰۹

چکیده

شفافیت به معنای جریان آزاد اطلاعات در حوزه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی نقشی سازنده در امر حکمرانی دارد. برای این اصل در قواعد حقوق عمومی استثنائاتی پیش‌بینی شده است. در این مقاله با مراجعه به حقوق عمومی ایران به‌ویژه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، این استثنائات استخراج شده و سپس برای روشن شدن دیدگاه اسلامی در این باره، بحث در قرآن و روایات پی‌گیری گردیده است. یافته‌های این پژوهش که به روش توصیفی-تطبیقی انجام شده، نشان داده است که در قرآن و روایات نیز این اصل به طور مطلق پذیرفته نیست و حد و مرزهایی برای آن در نظر گرفته شده است که در حوزه حقوق عمومی و مبانی اسلام قابل دسته‌بندی است. این محدودیت‌ها در حوزه حقوق عمومی از آیات و روایاتی که به حفظ حرمت و آبروی اشخاص توصیه دارند و نیز آیات و روایاتی که اشاعه فحشاء، فاش کردن اسرار نظامی، گسترش مطالب مخل به استقلال را منع نموده‌اند، قابل برداشت است. محدودیت‌های مرتبط به حوزه مبانی اسلام نیز از آیات و روایاتی که ناظر به منع توهین به مقدسات اسلامی، نشر کتب ضاله و تضعیف عقاید مردم است، استنباط شده است.

واژگان کلیدی: محدودیت‌های شفافیت، حق دسترسی به اطلاعات، حقوق عمومی.

۱. دکترای تفسیر تطبیقی و عضو هیأت علمی دانشکده الهیات و معارف اسلامی هدی (نویسنده مسئول)؛ رایانامه

N.kordnejad@yahoo.com:

۲. دانشیار گروه حقوق بین الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه قم.





مقدمه

شفافیت در لغت به معنای وضعیتی است که درك امری را آسان می سازد. (oxford dictionary, transparency). ارائه اطلاعات برای آگاهی بخشی ذینفعان عنصر اصلی تعریف اصطلاحی شفافیت است، در این سیاق کمیسیون اروپایی راجع به حکمرانی در اروپا، شفافیت را مطلق انتشار اطلاعات دانسته است (friedl Weiss, silke). (steiner:2006,1553)

برخی نیز گفته اند شفافیت جریان اطلاعات قابل اتکا و به هنگام اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است که برای همه ذینفعان مرتبط قابل دسترسی باشد. (Daniel, koufman, and Ana, Bellver, 2005). با این وصف، مفهوم شفافیت در حوزه های مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی کارکرد دارد و در نتیجه تعاریف گوناگونی خواهد داشت. بنابر این می توان گفت:

شفافیت، یک مفهوم وسیع و عام است که شفافیت سازمانی، شفافیت مالی و حسابداری، شفافیت اقدامات، تصمیمات و مسئولیت های دولت و همچنین شفافیت اسنادی که جدیدترین و پر تقاضاترین نوع شفافیت استدر ذیل این عنوان عام قرار می گیرد. (زندیه و سالار سروی، ۱۳۹۲: ۱۱۷). در این تحقیق، مفهوم عام شفافیت مورد نظر است اگرچه مسأله دسترسی به اسناد و شفافیت اسنادی در بخش حقوقی مباحث مورد توجه و بحث بیشتری قرار گرفته است. علاوه بر این، مسأله شفافیت مالی نیز امروز در صدر اهتمام جامعه ما قرار گرفته است. بحث از شفافیت مالی ناشی از ایده های نو راجع به حاکمیت است که کشورها را تحت تاثیر خود قرار داده است. ایده حکمرانی مطلوب و تاکید بر کاهش فقر و توجه به جنبه های اجتماعی توسعه از مبانی طرح موضوع شفافیت مالی است (Philipps and Stewart, 2009: 807). البته بحث از شفافیت مالی و دیگر انواع آن موضوع بحث ما نیست. اهمیت و نقش سازنده اصل شفافیت در امر حکمرانی یک مسأله مهم حقوق عمومی است که شرحی جداگانه می طلبد و هدف این تحقیق نیست بلکه





موضوع بحث و پرسش اصلی این است که چه محدودیت‌هایی بر اصل شفافیت در قواعد حقوق عمومی ایران وجود دارد و وضعیت این نوع محدودیت‌ها در قرآن کریم چگونه است؟ بحث از شفافیت و استثنائات آن در ایران از این جهت ضرورت دارد که در شرایط فعلی جامعه ایران افکار عمومی توجه و اقبال زائد الوصفی به این موضوع پیدا کرده است و ورود رسانه‌های مختلف بویژه رسانه‌های الکترونیکی به این حوزه می‌تواند با افراط و تفریط همراه باشد در نتیجه به تحقق صحیح اصل شفافیت آسیب رساند، از این رو، تبیین درست قلمرو اصل شفافیت و محدودیت‌های وارده بر آن اهمیت می‌یابد. از سوی دیگر، این یک امر مسلم است که هر قاعده حقوقی الزاماً مطلق نیست و اگر به محدودیت‌ها و قلمرو خاص آن توجه نشود ممکن است به اجرای صحیح آن نیز آسیب بزند. بنابراین، تحقیق حاضر نه تنها در مقام محدودسازی و ایراد خدشه بر گفتمان شفافیت نیست بلکه در صدد کمک به اجرای صحیح آن و بدنبال آگاهی‌سازی و روشنگری در پاسخ به یک نیاز اجتماعی است. با وجود این ضرورت، تحقیق مستقلی در این موضوع مشاهده نشده است. تحقیقات موجود اغلب راجع به اصل شفافیت و در قالب عناوینی چون «شفافیت اسنادی و حق دسترسی آزاد به اطلاعات»؛ «حق دسترسی به اطلاعات و تاثیر آن بر روزنامه نگاری» منتشر شده است؛ چه اینکه تمرکز گفتمان شفافیت در حال حاضر نه بر استثنائات آن بلکه بر ترویج اصل شفافیت است. در نتیجه این آثار در حد اشاره ای کوتاه به محدودیت‌ها و استثنائات شفافیت متعرض شده‌اند. در مواردی که محدودیت‌ها موضوع بحث است آثاری مانند «آزادی و محدودیت‌ها با تاکید بر اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران» و «مبانی محدودیت‌های آزادی مطبوعات در قانون اساسی و تجلی آن در قانون مطبوعات» یافت می‌شود. کاربرد واژه آزادی مطبوعات و یا حق دسترسی به اطلاعات بدون تصریح به واژه شفافیت در این مطالعات قابل درک است زیرا وجود آزادی بیان از جمله آزادی مطبوعات یا حق دسترسی به اطلاعات از لوازم اصل شفافیت است و بدون این مقدمات شفافیتی متصور نیست؛ از سوی دیگر کاربرد واژه شفافیت تا حدودی نوظهور است و در سال‌های اخیر در ادبیات حقوقی و سیاسی ما وارد شده است. از این رو، تحقیق حاضر کاری جدید در قالب تبیین و تحلیل استثنائات شفافیت برای تقویت





گفتمان شفافیت و متفاوت از کارهای سابق است. طرح دیدگاه قرانی نیز با توجه به جایگاه احکام اسلام در نظام حقوقی کشور و نقشی که فقه اسلامی در تدوین و تفسیر قوانین دارد صورت گرفته است. از نقطه نظر ساختاری در ابتدا، استثنائات و محدودیت‌های شفافیت در حقوق عمومی ایران بررسی شده و برای روشن شدن دیدگاه اسلامی در این باره، بحث در قرآن و روایات پی گیری شده است.

۱. محدودیت‌های شفافیت در حقوق عمومی ایران

برای دستیابی به محدودیت‌های شفافیت در نظام حقوقی ایران باید به «قانون اساسی»، «قانون مطبوعات» و «قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات» مراجعه نمود که در ادامه به صورت جداگانه بیان می گردد.

۱-۱. محدودیت‌های شفافیت در قانون اساسی

اصل شفافیت در قانون اساسی تصریح نشده است ولی آزادی نشریات و مطبوعات در اصل (۲۴) مقرر شده است. شفافیت از لحاظ مفهومی اخص از آزادی بیان در نشریات و مطبوعات است؛ چه اینکه شفافیت در انتشار اخبار و اطلاعات مطرح است درحالی که آزادی نشریات می تواند هر نوع انتشار را شامل شود اعم از اخبار یا تصاویر، نمایشنامه و سخنرانی و غیر آن. در مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی نیز همین برداشت مطرح شده است که مطبوعات یک مفهوم عام است و نشریات و کتب را همه شامل می شود. (صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، ۱۳۶۴: ۶۴۹). اما ارتباط این دو با شفافیت در این است که شفافیت بدون آزادی بیان در قالب نشریات و مطبوعات ممکن نیست و این آزادی مقدمه و از لوازم شفافیت است. از این رو، ما موضوع محدودیت‌های شفافیت را در چارچوب اصل (۲۴) بررسی و تبیین می نماییم.

در اصل بیست و چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که موضوع آن نشریات و مطبوعات است مقرر می دارد: «نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند مگر آنکه محل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشد». طبق این اصل، آزادی مطبوعات در دو مورد «اخلال به مبانی اسلام» و «اخلال به حقوق عمومی» محدود و استثنا شده است. برای تبیین



صحيح حدود آزادی مقرر در این اصل، لازم است ابتدا منظور از سه واژه «اخلال»، «مبانی اسلام» و «حقوق عمومی» روشن گردد.

۱-۱-۱. اخلال

اخلال در لغت به معنای «خلل آوردن، رخنه کردن، زیان رسانیدن، بهم زدن، و درهم و برهم کردن» (معین، ۱۳۶۰: ۱۷۴) آمده است. برخی آن را به «ایجاد بی نظمی و آشفتگی» معنا کرده‌اند. (انوری، ۱۳۸۱: ۲۹۲)

در مقام بیان مفهوم واژه «اخلال» در اصل مورد بحث، برخی آن را به آشفته کردن ذهن‌ها تعبیر کرده‌اند و لذا تحقق آن را در اصل بیست و چهارم قانون اساسی چنین بیان داشته‌اند که مطبوعات سامان فکری افراد را بگیرند و اعتقادات مردم را سست کنند. (عمید زنجانی، ۱۳۸۹: ۲۶) عده‌ای دیگر بر این اعتقادند که منظور از اخلال «توقف یا تعطیلی امری» است. (مرتضوی، ۱۳۸۶: ۵۰) این در حالی است که محققان دیگر، بر این باورند که از نظر واژه شناسی حقوقی، به کارگیری واژه توقف یا تعطیلی برای نظم عمومی یا امنیت عمومی درست نیست و بهترین معادل برای اخلال در اصل مذکور را «خدشه وارد نمودن» دانسته‌اند. (ویژه، ۱۳۸۹: ۱۵۹) در مقام جمع بندی و با در نظر گرفتن معنای لغوی و اصطلاحی «اخلال»، شاید بتوان گفت، این واژه با توجه به متعلق آن دارای معانی مختلفی است. برای نمونه برخی در مقام بیان منظور قانونگذار عادی از عبارت «اخلال در نظم دادگاه» - موضوع ماده (۳۵۴) قانون آئین دادرسی کیفری - آن را هر گونه اقدامی دانسته‌اند که مانع ادامه رسیدگی دادگاه به پرونده می‌شود. (ابریشم کش، بی تا: ۱۸) بر این اساس در خصوص معنای واژه مخل در عبارت «مخل به مبانی اسلام» می‌توان آن را به معنای «ایجاد تزلزل در اعتقادات مردم» معنا کرد و در عبارت «مخل به حقوق عمومی» به معنای «تعرض یا تجاوز به حقوق عمومی» معنا کرد. (ابریشم کش، بی تا: ۱۹-۱۸)

۱-۱-۲. مبانی اسلام

در بیان مفهوم این عبارت برخی با توجه به بندهای شش گانه اصل دوم قانون اساسی که در مقام بیان پایه و مبانی نظام جمهوری اسلامی بوده است، مبانی اسلام را در اصل بیست و چهارم به اصول دین و مذہب در بندهای پنج گانه این اصل تعمیم داده -





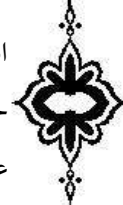
اند. (مرتضوی، ۱۳۸۶: ۴۹) و آن را عبارت از پایه‌ها و اصول توحید، نبوت، معاد که اسلام با ابتدای به آن موضوعیت و واقعیت پیدا می‌کند، می‌دانند. (هاشمی، ۱۳۸۴: ۴۲۴) عده‌ای از فقها عبارت «مبانی اسلام» را معادل با مسائل ضروری دین دانسته‌اند خواه در مسائل اعتقادی مانند توحید، معاد، عصمت انبیاء و ائمه معصومین= و امثال آن باشد و خواه در فروع دین، احکام و قوانین اسلام و خواه در مسائل اخلاقی و اجتماعی. (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷: ۵۹۴) بر اساس این تعریف، ضروریات دین تنها شامل اصول و فروع دین نیست؛ بلکه هر یک از احکام و مسائل ضروری اسلام همچون حجاب که منکر آن محکوم به کفر می‌شود نیز در زمره ضروریات به حساب می‌آید. (قطبی، ۱۳۹۲: ۱۹).

بنابراین مبانی اسلام اعم است از اصول اعتقادی و احکام عملی که از ضروریات دین است. مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی به هنگام وضع اصل ۲۴ نیز همین برداشت را نشان می‌دهد. گزارش کارگروه تنظیم این اصل و ملاحظات اعضای مجلس در بررسی متن پیشنهادی گروه بر این دلالت دارد و از مصادیقی چون مطالب مخالف عفت عمومی، توهین به شعائر دینی و آنچه که موجب گمراهی مردم می‌شود نام می‌برند. (صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی؛ ۱۳۶۴: ۶۴۵).

بر این اساس و با لحاظ معنای اخلال که بیان گردید، منظور از عبارت «اخلال به مبانی اسلام» آن است که آن عمل سبب تضعیف ضروریات دین یا ایجاد بدبینی و شک و تردید نسبت به ضروریات دین شود، (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷: ۵۹۴)

۳-۱-۱. حقوق عمومی

«حقوق عمومی» از دیگر محدودیت‌های مطرح در اصل بیست و چهارم است. این که منظور از «حقوق عمومی» چیست؟ برخی آن را به تبع عمومی بودن آن، حقوق مربوط به حاکمیت قلمداد نموده‌اند و برای آن مصادیقی از قبیل مطالب مخل امنیت عمومی، افشای اسرار نظامی، مطالب مخل استقلال و تمامیت ارضی کشور و توطئه و تحریک مردم علیه حکومت را قید نموده‌اند. (آیتی، ۱۳۷۳: ۳۹) اما برخی در یک معنای موسع منظور از حقوق عمومی را حقوق عامه مردم دانسته‌اند که هم شامل حقوق عمومی آنان خواهد شد و هم حقوق خصوصی آنان را در بر خواهد گرفت؛ یعنی هم حقوقی را که در برابر هیئت



حاکمه دارا هستند، شامل می‌گردد مانند آزادی بیان، حق داشتن کار و مسکن و هم حقوق فردی و خصوصی آنان را مانند حق زندگی و حق ازدواج (اعراف، ۱۳۸۱: ۳۹). در این سیاق برخی محققان، حقوق عمومی در اصل (۲۴) را اعم از حقوق افراد و حقوق عامه دانسته‌اند (عمید زنجانی، ۱۳۸۹: ۱۲۷). به سخن دیگر حقوق عمومی تنها شامل مسائل مربوط به حکومت نیست؛ بلکه هم مسائل اجتماعی مانند نظم و امنیت عمومی را در بردارد و هم حقوق دیگر شهروندان نظیر حریم خصوصی. به سخن دیگر حقوق عمومی هم به حقوق جامعه و هم حقوق اعضای آن جامعه به عنوان شهروند ارتباط می‌یابد. (ویژه و طاهری، ۱۳۹۰: ۱۵۹-۱۵۸) با مراجعه به «قانون مطبوعات» که تفسیر اصل بیست و چهارم قانون اساسی است و با توجه به مصادیق ذکر شده در آن چون اهانت به اشخاص حقیقی و حقوقی، استفاده ابزاری از افراد، به نظر می‌آید که تعریف موسع از حقوق عمومی، مدنظر واضعان این اصل بوده است. با این اوصاف عبارت «اخلال در حقوق عمومی» معادل تعرض یا تجاوز به حقوق جامعه و حقوق شهروندان است.

با روشن شدن مفاهیم به کار رفته در اصل بیست و چهارم قانون اساسی، مصادیق «اخلال به مبانی اسلام» و نیز «اخلال در حقوق عمومی» در ماده (۶) فصل (۴) «قانون مطبوعات»^(۲) در مقام شرح و تفسیر اصل بیست و چهارم آمده است. این مصادیق که استثنائات آزادی بیان و مطبوعات هستند اغلب قابل تعمیم به اصل شفافیت نیز می‌باشند و محدودیت‌های وارده بر آن تلقی می‌گردد. این مصادیق عبارتند از:

- ۱- نشر مطالب الحادی و مخالف موازین اسلامی و ترویج مطالبی که به اساس جمهوری اسلامی لطمه وارد می‌کند.
- ۲- اشاعه فحشا و منکرات و انتشار عکس‌ها و تصاویر و مطالب خلاف عفت عمومی.
- ۳- تحریض و تشویق افراد و گروه‌ها به ارتکاب اعمالی علیه امنیت، حیثیت و منافع جمهوری اسلامی ایران در داخل و خارج.

- ۴- فاش نمودن و انتشار اسناد و دستورها و مسائل محرمانه، اسرار نیروهای مسلح جمهوری اسلامی، نقشه و استحکامات نظامی، انتشار مذاکرات غیرعلنی مجلس شورای اسلامی و محاکم غیرعلنی دادگستری و تحقیقات مراجع قضایی بدون مجوز قانونی.



۵- اهانت به دین مبین اسلام و مقدسات آن و هم چنین اهانت به مقام معظم رهبری و مراجع مسلم تقلید.

۶- افتراء به مقامات، نهادها، ارگان‌ها و هر یک از افراد کشور و توهین به اشخاص حقیقی و حقوقی که حرمت شرعی دارند، اگر چه از طریق انتشار عکس یا کاریکاتور باشد.

همانطور که در آغاز این بخش اشاره شد اگر چه قلمرو مفهومی شفافیت و آزادی بیان در نشریات و مطبوعات متفاوت است لکن مصادیق این دو در مواردی هم پوشانی دارد و از این گذشته بدون آزادی بیان و نشریات، شفافیت محقق نمی شود. برای نمونه افتراء به مقامات و نهادهای دولتی یا خصوصی در مطبوعات به بهانه انتشار اطلاعات و شفافیت، علاوه بر اینکه در مطبوعات مجاز نیست از محدودیت های شفافیت هم تلقی می شود. افشای اسناد و اطلاعات نظامی نیز همین وضعیت را دارد و اشخاص حق ندارند به بهانه شفافیت و اطلاع رسانی به جامعه، این اطلاعات را در مطبوعات و بلکه در هر نوع رسانه منتشر نمایند. بنابر این، این نوع اعمال هم در قانون مطبوعات ممنوع شده است و هم در قانون دسترسی به اطلاعات که در مبحث بعدی بیان خواهد شد.

۲-۱. محدودیت های شفافیت در «قانون انتشار و دسترسی آزادانه به اطلاعات»

حق دسترسی به اطلاعات پیش شرط مشارکت در امور عمومی جامعه است. این حق شهروندان را قادر می سازد تا محتوای قوانین و دیگر اسناد امور عمومی را شناسایی و درک کرده و بدین ترتیب در فرایند تصمیم سازی مشارکت نمایند. (Bugaric, 1975:493). خوشبختانه موضوع دسترسی به اطلاعات اهمیت یافته و «قانون انتشار و دسترسی آزادانه به اطلاعات» در سال ۱۳۸۸ در زمره قوانین کشورمان قرار گرفت. در بندهای فصول اولیه این قانون، بحث دسترسی آزاد به اطلاعات به عنوان یکی از وظایف و تکالیف دولت و نیز به عنوان حق شهروندان، مورد تأکید قرار گرفته است.

فصل چهارم این قانون با عنوان «استثنائات دسترسی به اطلاعات» در چند بند به شرح زیر به بیان استثنائات پرداخته است:

بند اول: اسرار دولتی (اسناد و اطلاعات طبقه بندی شده)





بند دوم: حمایت از حریم خصوصی

بند سوم: حمایت از سلامتی افراد و یا اطلاعات تجاری

بند چهارم: سایر موارد شامل دادن اطلاعات در امور زیر :

(الف) امنیت و آسایش عمومی

(ب) پیشگیری از جرائم یا کشف آنها، بازداشت یا تعقیب مجرمان

(ج) ممیزی مالیات یا عوارض قانونی یا وصول آنها

(د) اعمال نظارت بر مهاجرت به کشور (بند ۴، ماده ۱۷).

با دقت در مفاد این قانون و نیز مستثنیات ذکر شده در آن استنباط می‌شود که در این قانون «اطلاعات به شخصی و عمومی تقسیم شده و تنها اطلاعات عمومی مشمول قانون شده‌اند. در بند (۹) از ماده (۱) این قانون در تعریف اطلاعات عمومی گفته شده: «اطلاعات غیرشخصی نظیر ضوابط و آئین نامه‌ها، آمار و ارقام ملی و رسمی، اسناد و مکاتبات اداری که از مصادیق مستثنیات فصل چهارم این قانون نباشند». با این بیان، قانون آزادی اطلاعات یک مفهوم سلبی از اطلاعات مشمول آزادی اطلاعات ارائه کرده است. یعنی اطلاعاتی مشمول این قانون می‌باشند که اولاً در زمره اطلاعات شخصی نباشند، ثانیاً در زمره مستثنیات فصل چهارم قانون نباشند». (انصاری، ۱۳۸۹: ۸۴)

مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی در جلسه بیست و پنجم نیز نشان می‌دهد منظور از اطلاعات و اسرار نظامی، اسرار شخصی نیست بلکه اسرار ارتش و امور دفاعی است. (صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، ۱۳۶۴: ۶۴۸). محدودیت‌های ذکر شده در «قانون انتشار و دسترسی آزادانه به اطلاعات» با محتوای اصول قانون اساسی، چون استقلال، تمامیت ارضی، منع اضرار به غیر، امنیت و منافع ملی قابل تطبیق است. به عنوان مثال محتوای اصل بیست و پنجم قانون اساسی، مرتبط با حریم خصوصی است. در این اصل چنین آمده است: «بازرسی و نرساندن نامه‌ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آنها، استراق سمع و هر گونه تجسس ممنوع است مگر به حکم قانون».





با مراجعه به ماده (۵۰۲) قانون مجازات اسلامی که در اجرای این اصل نگاشته شده آمده است: «هر یک از مستخدمان و مأموران دولتی مراسلات یا مکالمات تلفنی اشخاص را در غیر مواردی که قانون اجازه داده است حسب مورد مفتوح یا توقیف یا معدوم یا بازرسی یا ضبط یا استراق سمع کند یا بدون اجازه صاحبان آنها مطالبی را افشاء کند به حبس از یک تا سه سال یا جزای نقدی از شش تا هیجده میلیون ریال محکوم خواهد شد. روشن است که جرم انگاری این اقدامات برای رعایت حرمت و موقعیت خصوصی افراد و شهروندان است. چنانچه انتشار اطلاعات توسط خود شخص صورت گیرد، در این حالت قاعده کلی رعایت حقوق عمومی و منع اضرار به غیر که پیش از این بیان شد حاکم خواهد بود. بدین ترتیب که انتشار اطلاعات شخصی نمی تواند وسیله اضرار به غیر و مصالح جامعه باشد. علاوه بر این، انتشار اطلاعات مربوط به خود نباید موجب اخلاف در مبانی اسلام گردد؛ مانند اینکه وسیله گمراهی دیگران یا توهین به مقدسات و یا اشاعه فحشا باشد و این در فرضی است که شخص به عنوان شفافیت و اطلاع رسانی، برای نمونه تصاویر یا فیلمی از اقدامات شخصی منتشر نماید که دربردارنده عناوین اخلاف درمبانی اسلامی باشد.

۲. محدودیت های شفافیت از دیدگاه قرآن

از آنجا که محدودیت های شفافیت در حقوق ایران در قالب دو عنوان «حقوق عمومی» و اخلاف در «مبانی اسلامی» بررسی شد، در این بخش نیز، برای تبیین دیدگاه قرآنی درحوزه بحث این پژوهش، محدودیت های شفافیت را در دو دسته کلی «حقوق عمومی» و «مبانی اسلامی» بررسی خواهیم نمود. این تقسیم بندی با شیوه و دسته بندی مباحث فقهی اعم از جزایی و حقوقی نیز سازگار است؛ چه اینکه در یک تقسیم بندی از حق ها در فقه اسلامی، دو دسته حق الناس و حق الله مطرح است و در اینجا نیز حقوق عمومی جلوه ای از حق الناس و مبانی اسلامی مرتبط با اعتقادات و اندیشه های اسلامی ناشی از خالق متعال و ربوبیت اوست.





۲-۱. محدودیت های شفافیت در حوزه حقوق عمومی از دیدگاه قرآن

حقوق عمومی هم حقوق عامه جامعه و هم حقوق خصوصی افراد را در برمی گیرد. آنچه مسلم است قرآن کتاب قانون است و برای همه مهمات زندگی در حوزه فردی و اجتماعی، مقررات و حدودی را معین نموده است. بحث آزادی اطلاعات و شفاف سازی که از دیدگاه قرآن مورد پذیرش است مانند سایر آزادی ها با حدود و مقرراتی همراه است و قرآن به طور مطلق آن را نمی پذیرد. در این مقوله حتی در خصوص شخص رسول اکرم نیز خداوند محدودیت هایی مقرر داشته است و او را ملزم می نماید که در ابراز نظراتش بی حد و مرز نباشد، بلکه شیوه دعوت را برای او معین نموده است و نحو گفتار و اسلوب احتجاج را مقرر داشته و خطاب به او توصیه می نماید که در دعوت خویش، به حکمت و موعظه حسنه توسل جسته (نحل، ۱۲۵)، به بهترین صورت احتجاج نموده (نحل، ۱۲۵)، از جاهلان دوری گزیند و سخن ناپسندی را ابراز ندارد (اعراف، ۱۹۹) و مبلغان شرک را ناسزا و دشنام نگوید. (انعام، ۱۰۸)

دقت در این توصیه های قرآنی به رسول اکرم (ص) روشن می سازد که آزادی بیان به عنوان یکی از استلزامات شفافیت بی حد و مرز نیست و راه و روش خاص خود را دارد؛ بنابراین پیامبر (ص) نخستین فردی بود که دامنه آزادی بیانش محدود گردید. (عوده، ۱۴۰۵: ۳۸)

آنچه باید در تبیین دیدگاه قرآنی بیان داشت، این است که آزادی در حوزه مورد بحث یعنی شفافیت و دسترسی به اطلاعات و نیز استلزامات آن چون آزادی بیان؛ از سنخ قضایای ارزشی و «بایدها و نبایدها» است و به بحث از منشاء و ملاک تعیین ارزش ها برمی گردد. در اسلام برترین دین جهانی، همه ارزش ها به گونه ای طراحی و تنظیم شده است که در جهت نیل به کمال نهایی انسان یعنی «قرب الی الله» تاثیر گذار باشند. بر این مبنا هر چیزی که مانع رسیدن به کمال باشد، ضد ارزش محسوب می شود، از این رو حکومت اسلامی نیز موظف است در جهت حفظ و تعالی ارزش ها و ممانعت از گسترش ضد ارزش ها، تلاش نماید. شفافیت و استلزامات آن نیز با همین ضابطه باید مورد ارزیابی قرار گیرد و در صورتی مطلوب خواهد بود که در جهت تکامل انسان و قرب الی الله مؤثر باشند و در غیر این





صورت ضد ارزش تلقی خواهد شد و باید جلوی آنها را گرفت. (مصباح یزدی، ۱۳۸۱: ۶۵-۶۳)

با این مقدمه باید گفت برخی از مهم‌ترین این محدودیت‌ها در حوزه حقوق عمومی عبارتند از:

۱-۱-۲. هتک حرمت و آبروی افراد

حفظ حرمت و آبروی اشخاص از مصادیق امنیت فردی است. امنیت فردی عبارت است از حالتی که فرد از لحاظ جسمی و روحی در آن فارغ از ترس و آسیب به جان یا مال و یا آبروی خود یا از دست دادن آنها زندگی کند. (اخوان کاظمی، ۱۳۸۵: ۲۳) ریشه توجه اسلام به بحث امنیت فردی و مصادیق آن را باید در جایگاه ارزشی انسان جستجو کرد. قرآن انسان را موجودی برخوردار از کرامت و شرافت اعطایی می‌داند و در این زمینه آیه ۷۰ سوره اسراء می‌فرماید: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْوُجُوهِ وَالْأَنْفِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِّنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا».

این کرامت ذاتی سبب می‌گردد که حقوق انسانی او به عنوان حقی عام و فراگیر که شامل همه انسان‌ها با هر ملیت، مذهب و نژادی می‌گردد، حفظ گردد. از مهم‌ترین این حقوق، حفظ حرمت و آبروی انسان است.

امام کاظم (ع) نیز فرمودند:

«گوش و چشم خود را در مقابل برادر مسلمانان تکذیب کن حتی اگر پنجاه نفر سوگند بخورند که او کاری را انجام داده است و او بگوید انجام نداده‌ام از او بپذیر. هرگز چیزی را در جامعه پخش مکن که مایه عیب و ننگ اوست و شخصیت او را از میان می‌برد». (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۴۷)

بنابراین هتک حرمت و آبروی اشخاص از مصادیق تعدی به حقوق افراد و نوعی تهدید امنیت فردی است و با تعالیم اسلام سازگاری ندارد. با توجه به مفهوم هتک حرمت که تجاوز به اشخاص، اموال و اعراض آنان و جریحه دار کردن افکار عمومی است. (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸: ۷۶۱) هر فعل، رفتار و کاری همانند فحش دادن، بدگویی کردن، مسخره و غیبت کردن، تهمت زدن و تجسس و هر چیز دیگر که عرفاً یا شرعاً بی احترامی به



حساب آید و باعث بردن آبروی انسان شود از مصادیق هتک حرمت و آبرو است. با این اوصاف باید از انتشار هر خبری که باعث لطمه زدن به آبروی افراد می‌شود چه در قالب نوشتار و چه در قالب بیان، پرهیز نمود. به عنوان نمونه خداوند متعال در آیه ۱۵ سوره نور در خصوص پخش اخبار بهتان آمیز توسط مؤمنان می‌فرماید:

« به خاطر بیاورید زمانی را که به استقبال این دروغ بزرگ رفتید و این شایعه را از زبان یکدیگر می‌گرفتید و با دهان خود سخنی می‌گفتید که به آن یقین نداشتید و گمان می‌کردید این مسأله کوچکی است در حالی که نزد خدا بزرگ است».

این آیه شریفه در ضمن آیات افک است که منافقین به یکی از همسران پیامبر (ص) بهتان زدند و مؤمنان هم بدون فکر و تحقیق آن را شایع کردند؛ لذا خداوند خوش باوری و آلت دست قرار گرفتن مؤمنان را نکوهش می‌نماید و می‌فرماید چرا شما بدون تحقیق و بررسی یک خبر بهتان آمیز را بین خود پخش می‌کنید و در آیه بعد برای تأکید می‌افزاید: « چرا هنگامی که آن را شنیدید نگفتید برای ما مجاز نیست که به این تکلم کنیم، خداوند منزهی تو، این بهتان بزرگی است».

همان طور که اشاره شد هتک حرمت و حیثیت افراد، محدود به بهتان زدن نمی‌باشد و مواردی از قبیل تمسخر و عیب جویی (حجرات، ۱۱)، غیبت کردن (حجرات، ۱۲)، فحش دادن (انعام، ۱۰۸) و غیره از مصادیق هتک حرمت و آبروی اشخاص می‌باشد. ممکن است در جامعه اسلامی تحت عناوین مختلف و یا آنچه که امروزه با نام افشاگری مرسوم است به بهانه اطلاع رسانی و شفافیت، اخبار و اطلاعات صحیح یا غلطی نسبت به اشخاص منتشر شود که در حقیقت و باطن امر مصداق یکی از محدودیت‌ها و گناهانی باشد که در قالب عنوان کلی «هتک حرمت و حیثیت» بدان اشاره شد. از اینرو دولت اسلامی موظف است برای حفظ سلامت اجتماع و نیز جلوگیری از به مخاطره افتادن حیثیت افراد، موارد هتک حیثیت افراد را از طرق ممکن چون قوانین جزایی، از جامعه بزداید.

۲-۱-۲. اشاعه فحشا:

از دیگر محدودیت‌های شفافیت در حوزه حقوق عمومی انتشار اخباری است که خلاف عفت عمومی است و از این طریق اشاعه فحشا در جامعه واقع می‌شود فحشا عمل و





گفتاری است که قبح آن نزد عقل و عرف آشکار باشد. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۲۶)
صاحب التحقيق می نویسد: ریشه اساسی این کلمه، زشتی آشکار است؛ از این رو بدی، منکر، ظلم، زنا، گناه و... از مصادیق فحشا می باشند ولی معادل آن نیستند. (مصطفوی، ۱۴۳۰، ۳۶).

قرآن کریم در آیه ۱۹ سوره نور از فحشا نهی فرموده و عاملین آن را وعده عذاب داده است.

علامه طباطبایی در تفسیر این آیه شریفه آورده است مقصود از «فاحشه» مطلق فحشا است چون زنا و قذف و امثال آن. فخررازی نیز منظور آیه را عام و شامل هر اشاعه فحشا می داند. وی در ذیل آیه ذکر شده می نویسد: «اگرچه آیه در مورد قذف عایشه وارد شده اما ملاک عمومیت وارد است نه خصوصیت مورد؛ بنابراین باید آیه را به طور عام تفسیر کرد. (فخررازی، ۱۴۲۰: ۳۴۵)

بنابراین از آنجا که انتشار عکس ها، تصاویر و مطالب خلاف عفت عمومی به هر طریق نقش به سزایی در اشاعه تفکر نادرست و سوق دادن افراد جامعه به ارتکاب اعمال نابهنجار دارند، افکار نابالغ را تحریک می کند و باعث گمراهی آنان می شود (کی نیا، ۱۳۷۳: ۵۲۷) باید کنترل شود و از نشر آنها ممانعت به عمل آید و نباید به بهانه شفافیت و در دسترس عموم قرار دادن اطلاعات، این امور در کشور رایج گردد.

۲-۱-۳. فاش کردن اسرار تشکیلاتی و نظامی

هر نظامی اسراری دارد که بر کتمان و مستور ماندن آنها از دید نامحرمان و نااهلان تلاش می کند و هیچ کس مجاز به نشر و افشای آن اسرار نمی باشد. قرآن کریم به صراحت پخش و انتشار اسرار نظام اسلامی را خیانت تلقی نموده و در آیه ۲۷ سوره انفال مسلمانان را از این کار باز می دارد و می فرماید:

«ای کسانی که ایمان آورده اید به خدا و پیامبر خیانت نکنید و (نیز) در امانات خیانت روا مدارید در حالی که متوجهید و می دانید».

علامه در تفسیر این آیه شریفه می نویسد: «مجموع دو جمله «لا تخونوا الله و الرسول و تخونوا اماناتکم» یک نهی واحدی می شود که به یک نوع خیانت تعلق گرفته و آن خیانت



امانت خدا و رسول خدا(ص) است که خود بعینه خیانت به امانت خود مؤمنین هم هست
مانند دستورات سیاسی و اوامر مربوط به جهاد و اسرار جنگی که اگر افشا شود آرزوهای
دینی عقیم گشته و مساعی حکومت بی نتیجه مانده و قهراً حق خدا و رسول هم پایمال می-
شود و ضررش دامنگیر خود مؤمنین هم می گردد». (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۹: ۷۰)

محدودیت اصل شایسته در قرآن و حقوق عمومی ایران

عدم افشای اسرار در دو بعد تشکیلاتی (حکومتی) و نظامی مورد تأکید بیشتری واقع
شده است زیرا حفظ نظام اسلامی تا حدود زیادی بر این دو پایه، استوار است. منظور از
اسرار تشکیلاتی، مطالب و اطلاعاتی است که عموم مردم از آن بی اطلاع هستند و دانستن
آن برای دشمن به منزله یافتن راه‌های مقابله با نظام و اطلاع یافتن از نقاط حساس و
استراتژیک کشور است. (مصلحی، ۱۳۹۲: ۱۶۱) گاهی افشای این اسرار منجر به قتل افراد
بی گناه و مؤمنان و مبارزات دینی می گردد. امام صادق(ع) فرمودند: «ما قتلنا من اذاع حديثاً
قتل خطأ و لكن قتلنا قتل عمد» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲: ۳۷۰؛ برقی، ۱۳۷۱: ۲۵۶)؛ هر کس اخبار
و اسرار ما را افشا کند، از راه خطا ما را به قتل نرساند؛ بلکه به طور عمد ما را کشته است».

۴-۱-۲. مطالب مخل به استقلال و تمامیت ارضی کشور

نشر مطالب مخل به استقلال و تمامیت ارضی کشور از دیگر محدودیت‌های شفاف
سازی در حوزه حقوق عمومی است. در دیدگاه اسلامی و براساس آیه شریفه: «وَكُنْ يَجْعَلُ
اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء، ۱۴۱)؛ خداوند هرگز برای کافران نسبت به مؤمنان
راه تسلطی قرار نداده است». هر گونه قراردادی که موجودیت و استقلال و شخصیت اسلام
و جامعه اسلامی را به خطر بیندازد ممنوع و باطل است و اعتبار حقوقی ندارد. (عباس زاده و
دیگران، ۱۳۸۵: ۷۳) بر این واقعیت در آثار فقیهان مسلمان تأکید شده است و در کتب
فقهی خود چنین بیان داشته‌اند: خداوند به موجب آیه شریفه می‌فرماید: در عالم تشریع
حکمی که موجب سلطه کفار بر مسلمانان شود جعل نشده. به بیان دیگر خداوند به
احکامی که تضمین کننده تسلط کفار بر مسلمانان باشد، مشروعیت نداده است. (بروجردی،
۱۴۱۹: ۱۸۸-۱۸۷) بر این اساس و به مقتضای این اصل فقها چنین فتوا داده‌اند: انجام هر نوع
عملی و برقراری هر گونه ارتباطی (میان مسلمانان و بیگانگان) که موجب استیلا و تسلط





بیگانگان بر کشورهای اسلامی و یا اشخاص و اموال مسلمانان شود، برای حکومت اسلامی و مسلمانان ممنوع و حرام است. (بروجردی، ۱۴۱۹: ۱۹۲؛ خمینی، بی تا: ۴۸۶)

الفاظ به کار رفته در آیه نفی سیل و سیاق کلام نیز مؤید این برداشت است. واژه سیل که به سلطه تفسیر شده است (قرطبی، ۱۳۶۴: ۴۲؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۵: ۱۱۷) نکره در سیاق نفی است که مفید عموم می باشد و همراه شدن آن با فعل منفی لن که نفی ابد را می رساند، بیانگر این است که خداوند هیچ سلطه ای را از کافران بر مؤمنان قرار نداده است. این عمومیت شامل دنیا و آخرت می شود (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۵: ۱۱۷) و در بُعد دنیایی انواع سلطه سیاسی، نظامی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی را در برمی گیرد. بنابراین باید گفت قاعده نفی سیل بیانگر دو جنبه ایجابی و سلبی است که جنبه سلبی آن ناظر به نفی سلطه بیگانگان بر مقدرات و سرنوشت سیاسی و اجتماعی مسلمانان است و جنبه ایجابی آن بیانگر وظیفه دینی امت اسلامی و حاکمان در حفظ استقلال سیاسی و از میان برداشتن زمینه های وابستگی و موجبات ناامنی است. (دایره المعارف قرآن کریم، ۱۳۸۲: ۲۲)

در کنار آیه نفی سیل در ضرورت استقلال و نفی سلطه دیگران می توان به آیاتی که مؤمنان را از پذیرش ولایت و سرپرستی کفار نهی می کنند و آن را عامل ذلت و عذاب الهی می دانند استناد نمود. آیات ۴۴ و ۱۳۸ و ۱۳۹ سوره مبارکه نساء؛ ۱۱۳ هود؛ و نیز ۱۴۹ آل عمران از این جمله اند. تصریح قرآن کریم در این آیات بر تکیه نکردن بر ستمگران و نیز نهی از پذیرش ولایت و سرپرستی کفار از این جهت است که این امور، زمینه ساز اطاعت و اعتماد آنان است که موجب دخالت و تصرف آنان در شئون مسلمانان و زمینه خروج آنها از مسیر حق و نیز وابستگی آنان به کافران می شود. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۱: ۵۱) و وابستگی به کفار و ستمگران در همه ابعاد آن اعم از فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و... نتیجه ای جز خواری اسارت، استثمار و نابودی استقلال ندارد. (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷: ۲۶۱؛ فضل الله، ۱۴۱۹: ۱۴۲).

با این اوصاف در یک نظام اسلامی برای انتشار اطلاعات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی باید به این نکته توجه داشت که انگیزه و یا نتیجه هر گونه اظهار نظر و انتشار اطلاعات نباید نشان دهنده نوعی اعتماد و وابستگی به قدرت ها و دولت های غیراسلامی و به ویژه



 دشمنان اسلام و جامعه اسلامی باشد و در هر حال رسانه‌های گروهی، اشخاص و دولت مردان باید معیار حفظ استقلال از این قدرت‌ها را مورد توجه قرار دهند؛ بنابراین هر گونه افشای اطلاعات به بهانه ایجاد شفافیت که منجر به مخدوش شدن عزت و استقلال جامعه اسلامی گردد، امری مذموم است. این نکته نیز باید یادآوری شود که عبارت «تمامیت ارضی» که به معنای حفظ مرزها و چارچوب‌های جغرافیای یک کشور است، در مفهوم اسلامی معنایی فراتر از ضوابط جغرافیایی دارد و مرزهای جامعه اسلامی، مرزهای ایمانی است. در نتیجه مسلمانان این مرزها و چارچوب‌های ایمانی را باید محافظت کنند از این رو در امر انتشار اطلاعات و ایجاد شفافیت، اعضای جامعه اسلامی باید علاوه بر این که از انتشار اخبار و اطلاعاتی که به امنیت و تمامیت مرزهای سرزمینی کشور اسلامی خودداری می‌کنند به امنیت و مراقبت از حدود و چارچوب‌های اعتقادی و ایمانی جامعه اسلامی نیز توجه نمایند. البته این مطلبی است که در مبحث آتی ناظر به محدودیت‌های شفافیت در حوزه مبانی اسلام مورد دقت و بررسی قرار خواهد گرفت.

۲-۲. محدودیت‌های شفافیت در حوزه مبانی اسلام از دیدگاه قرآن

مبانی اسلام که پیش از این از آن سخن به میان آمد، عبارت است از پایه‌ها و اصول توحید، نبوت و معاد که اسلام با ابتدای به آن موضوعیت و واقعیت پیدا می‌کند. روشن است که در یک نظام مبتنی بر این مبانی هم چون جمهوری اسلامی اخلاص بر این مبانی در واقع اخلاص بر نظامی است که اکثریت مردم آن را تأسیس نموده‌اند.^(۴) با توجه به این که مبانی نظام اسلامی که در حوزه مسائل عقیدتی قرار دارد، مبتنی بر معرفت قلبی است (نهج البلاغه، کلمات قصار، ش ۲۲۷)^(۵)؛ پذیرش یا رد آنها نوعاً از طریق انتشار، گفتگو، مجادله و ارشادات و القانات گمراه کننده ذهنی و فکری در محافل، آموزشگاه‌ها، مساجد و جلسات و هم‌چنین وسایل ارتباط جمعی میسر است (هاشمی، ۱۳۸۴، ۴۲۵) بنابراین باید در این موارد کنترل لازم به عمل آید و محدودیت‌ها و حد و مرزهایی برای آنها تعیین گردد تا به بهانه شفاف سازی و انتشار اطلاعات، مبانی اسلام دستخوش تعرض نگردد. در ادامه به مصادیق محدودیت‌های شفافیت در حوزه مبانی اسلام اشاره می‌شود:





۱-۲-۲. توهین به مقدسات اسلامی

اهانت یک عنوان مجرمانه کلی است که مصادیق بسیاری دارد؛ اما برخی از مصادیق آن به دلیل اهمیتی که دارند، بیشتر مورد تأکید واقع شده است و حتی در قوانین عادی کشورها، به صورت عنوان مجرمانه، جداگانه مطرح شده‌اند. (میرمحمد صادقی، ۱۳۸۰: ۱۵۶) از جمله این موارد، اهانت به مقدسات اسلام است. اسلام اجازه نمی‌دهد که افراد به بهانه آزادی بیان و با انگیزه‌های مادی و یا سیاسی و به قصد مبارزه با ارزش‌ها، اهانت‌های ناروایی را متوجه مقدسات دینی نمایند (پاد، ۱۳۵۷: ۴۹۳) و با تحقیر و یا توهین دیگران، شخصیت آنها را خدشه دار نمایند. برای درک درست این مسأله، لازم است که قبل از بیان مستندات این اصل، منظور از «توهین به مقدسات اسلامی» و مصادیق آن روشن گردد.

«اهانت» در لغت به معنای خوار شمردن، خفیف کردن، سبک داشتن و سست کردن است. (دهخدا، ۱۳۳۸: ۲۷۰) و در اصطلاح حقوقی عبارت است از: «نسبت دادن هر امر و هن آور اعم از دروغ یا راست، به هر وسیله و طریقه‌ای که باشد یا انجام هر فعل یا ترک فعلی که از نظر عرف و عادت موجب کسر شأن یا باعث تخفیف و پست شدن طرف گردد». (پاد، ۱۳۵۷: ۳۷۳)

در تبیین «مقدسات اسلامی» در آثار برخی فقها چنین آمده است: هر آن چه که از دیدگاه اسلام در شمار مسائل ضروری و قطعی قرار گیرد توهین به آن جرم است؛ مانند توهین به قرآن، مسجد الحرام، کعبه و سایر شعائر الهی و مقدسات ضروری اسلام. (موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹: ۲۹۳)

برخی محققان نیز با بررسی دیدگاه‌های فقها و جمع‌بندی نظرات آنان، در تعریف مقدسات چنین گفته‌اند:

مقدسات اسلام به اشخاص، اشیاء و اموری گفته می‌شود که جز ارکان یا ضروریات دین اسلام بوده و انکار آنها مستلزم انکار دین اسلام و اهانت به آنها مستلزم اهانت به اساس دین اسلام باشد. (زراعت پیشه، ۱۳۸۱: ۱۵۰)

این تعاریف بر این ضابطه کلی که هر آنچه که از دیدگاه اسلام در شمار مسائل ضروری و قطعی قرار گیرد توهین به آن جرم است، تأکید دارند. براساس این ضابطه باید



گفت هر آنچه که مربوط به مقدسات سایر ادیان الهی باشد ولی از جمله مقدسات ضروری دین اسلام نیز به شمار آید داخل در قلمرو جرم توهین به مقدسات خواهد بود؛ از این رو برخی از فقهای شیعه به این موضوع تصریح نموده‌اند که اهانت و ناسزاگویی به دیگر پیامبران الهی نیز همان مجازاتی را دارد که برای توهین به پیامبر گرامی اسلام (ص) و معصومین (ع) مقرر گردیده است. شهید ثانی در این باره می‌گوید: اهانت به دیگر پیامبران الهی بدین جهت ممنوع است که لزوم احترام به انبیاء الهی و گرامیداشت آنان از ضروریات اسلام است و بر همین اساس، دشنام به آنان موجب ارتداد است. (عاملی، ۱۴۱۰: ۱۹۴)

براین اساس لفظ «توهین» در عبارت «توهین به مقدسات اسلامی» به معنای آن است که یکی از شخصیت‌ها یا اشیاء یا اعتقادات مورد احترام دین، تحقیر شود. (زراعت پیشه، ۱۳۸۱: ۱۷۴)

بر این معیار می‌توان برداشت نمود که اموری چون افتراء به خداوند، تکذیب آیات الهی، اهانت به رسول اکرم و... از مصادیق توهین به مقدسات به شمار می‌آید که در ادامه به توضیح این موارد به همراه مستندات قرآنی آنها پرداخته می‌شود.

۱-۲-۲. افتراء به خداوند و تکذیب و تمسخر آیات الهی

در قرآن کریم افتراء و دروغ بر خداوند حرام و از صفات کافران شمرده شده است. خداوند در آیه ۱۷ سوره یونس تصریح می‌فرماید که افتراء کنندگان به خدا، به رستگاری نخواهند رسید:

«چه کسی ستمکارتر است از آن کس که بر خدا دروغ می‌بندد و آیات الهی را تکذیب می‌کند، مسلماً مجرمان نخواهند شد».

و نیز در سوره نحل (۱۱۶) و تغابن (۱۰) همین مضمون با عباراتی دیگر تکرار شده است.





۲-۱-۲. اهانت به رسول اکرم (ص) و استهزاء ایشان

از دیگر مصادیق اهانت به مقدسات که در قرآن اشاره و مورد نهی واقع شده است اهانت به رسول خدا (ص) و استهزاء ایشان است. مفسران اوصافی چون شاعر، کاهن، ساحرو مجنون را که عده‌ای به پیامبر (ص) نسبت می‌دادند از مصادیق اهانت به رسول خدا (ص) برشمرده‌اند. (سایس، بی‌تا: ۶۶۶-۶۶۵) خداوند متعال نیز هر جا که از این اوصاف در قرآن یاد کرده است به دنبال آن افرادی را که چنین نسبت‌هایی را به وجود مقدس رسول اکرم (ص) داده‌اند را ظالم و ستمگر (انبیاء، ۳)، کافر (ذاریات، ۵۲) و مجرم (صافات، ۳۶) معرفی می‌کند. استهزاء رسولان الهی نیز به طور جداگانه در قرآن نکوهش شده است و خداوند استهزاء کنندگان رسولان الهی را کافر معرفی می‌کند و در آیه ۱۰۶ سوره کهف می‌فرماید:

« اینگونه کیفر آنها دوزخ است، به خاطر آن که کافر شدند و آیات من و پیامبرانم را به باد استهزاء گرفتند ».

علاوه بر این آیات، مفسران با استناد به آیاتی چون آیه ۶۱ سوره توبه که بر حرمت اذیت رسول خدا تأکید دارند، حرمت اهانت به رسول خدا را برداشت نموده‌اند (صادقی تهران، ۱۳۶۵: ۱۹۴).

۲-۱-۳. استخفاف شعائر دین

استخفاف و سبک شمردن شعائر دینی نیز نوعی توهین به دین و شعائر دینی است. خداوند در آیه ۳۰ سوره حج بعد از برشمردن مناسک حج می‌فرماید:

« مناسک حج چنین است و هر کس برنامه‌های الهی را بزرگ دارد نزد پروردگارش برای او بهتر است ».

برخی از فقها در حرمت اهانت به مقدسات به این آیه شریفه استناد جسته و معتقدند این آیات بر وجوب تعظیم محتویات دین دلالت می‌کند و دلالت آن بر حرمت اهانت به مقدسات از طریق اولویت است. (موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹: ۲۹۸)

مفسران نیز در تفسیر این آیه شریفه بیان داشته‌اند که کلمه «حرمت» در این آیه به معنای هر چیزی است که هتک و اهانت به آن جایز نباشد. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۳۱) و عبارت



«و من يعظم...» تحریک و تشویق مردم است به تعظیم حرمت خدا که اموری هستند که خدا از آنها نهی فرموده و برای آنها حدودی را معین کرده که مردم از آن حدود تجاوز نکنند. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۴: ۳۷۳)

۲-۲-۲. نشر کتب ضاله و تضعیف عقاید مردم

از دیگر اموری که زیر مجموعه اخلال به مبانی اسلام است و از نشر آنها باید جلوگیری به عمل آورد کتب ضاله و مطالبی است که به تضعیف عقاید مردم می‌انجامد. در حرمت نشر کتب ضاله که فقها در خلال مبحث «مکاسب محرمة» به آن اشاره داشته‌اند، اختلاف نظری وجود ندارد؛ اما در خصوص این که منظور از کتب ضاله چه می‌باشد و مصادیق آن کدامند، نظرات گوناگونی از سوی فقها بیان شده است. ذکر همه نظرات ما را از بحث اصلی دور می‌نماید؛ اما با یک نگاه کلی به مجموع نظرات فقها چنین به دست می‌آید که عده‌ای از آنها هم چون شهید اول (عاملی، ۱۴۱۷: ۱۶۳) و بحرانی (بحرانی، بی‌تا، ج ۱۸: ۱۴۳)، کتب اهل ضلال را، ضلال معرفی نموده‌اند. برخی دیگر از فقها با اشاره به این نکته که در مورد گمراه بودن قول باید به خود قول نگاه کرد نه به قائل آن (مقدس اردبیلی، بی‌تا: ۷۶) به این تعاریف خدشه وارد نموده‌اند و دامنه ضلال را وسیع‌تر می‌دانند. به عنوان نمونه صاحب جواهر در این زمینه می‌نویسد: ادله حرمت اقتضا دارد که هر آنچه گمراهی داشته باشد حرام باشد... به هر حال مراد از کتب ضلال هر کتاب گمراه کننده و غیر رشاد است. (نجفی، ۱۹۱۸: ۵۸)

سید کاظم یزدی از فقهای معاصر نیز می‌گوید: مراد از کتب ضلال هر آن چیزی است که شأنیت گمراه سازی داشته باشد و مجرد این که کتابی در بردارنده مطالب باطلی باشد، ضلال شمرده نمی‌شود. (طباطبایی یزدی، ۱۳۷۸، ج ۱: ۲۳) با کنار هم قرار دادن این معانی و دقت در معانی لغوی ضلال که برخی آن را هر گونه انحراف از راه چه عمده و چه سهوی می‌دانند. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۵۰۹) و عده‌ای دیگر آن را ضد هدایت و رشاد گرفته‌اند. (ابن منظور، ۱۴۱۹: ۷۹) می‌توان نتیجه گرفت منظور از کتب ضلال، کتاب‌هایی است که مشتمل بر مطالب ضد حق و مقابل ارشاد است که به طور طبیعی به اضلال و گمراه ساختن منجر خواهد شد. (قانع، ۱۳۸۱: ۱۶۳)





نکته قابل توجه دیگر این که لفظ کتاب در عبارت «کتب ضلال» نیز موضوعیتی ندارد؛ بلکه همان طور که عده‌ای از فقها اشاره داشته‌اند مدلول آن هر وسیله‌ای است که انتقال پیام را شامل می‌گردد. سید محمد کاظم یزدی در این باره می‌نویسد: کتاب اختصاص ندارد پس حفظ غیر کتاب از آنچه شأنت گمراه سازی داشته باشد، حرام خواهد بود. مزار، مقبره و امثال آن این گونه‌اند؛ بنابراین بهتر است که عنوان را اعم بگیریم و اگر فقها عنوان کتاب را انتخاب کرده‌اند به خاطر این است که کتاب از مصادیق غالب عنوان وسیله انتقال پیام است. (طباطبایی یزدی، ۱۳۷۸: ۲۳) آیت‌الله مکارم شیرازی نیز می‌نویسد: کتب ضلال که گفته می‌شود اختصاص به کتاب ندارد بلکه عکس‌ها، فیلم‌ها، رادیو و... را شامل می‌شود. (مکارم شیرازی، ۱۴۲۶: ۱۹۹) و برخی دیگر از فقها بیان داشته‌اند «حکم حرمت، هر وسیله تعلیم گمراهی مثل روزنامه‌ها، مجلات، نوارها و کتب مهاجم به شیعه را نیز در برمی‌گیرد». (صافی گلپایگانی، ۱۴۱۶: ۲۹۳)

نتیجه گیری

امروزه شفافیت یک اصل مهم در امر حکمرانی است که در قلمرو مالی و اقتصادی، کیفیت تصمیم گیری، برنامه ریزی و اقدامات دولت و نهادهای عمومی و بویژه دسترسی و آگاهی به اسناد و اطلاعات عمومی، مطرح است. با مطالعه قوانین داخلی ایران بدست می‌آید که قلمرو این اصل مطلق نیست و مشمول محدودیت است. این محدودیت‌ها اولاً؛ باید در چارچوب قانون وضع شود ثانیاً؛ محدودیت‌های شفافیت جنبه استثنا دارد و اصل حاکم در امر حکمرانی، وجود شفافیت است. مبانی قانونی محدودیت‌های شفافیت در حقوق عمومی ایران بطور خاص در قانون دسترسی آزاد به اطلاعات و در قالب قواعد عام در اصل (۲۴) قانون اساسی و قانون مطبوعات مندرج است. مجموع این مقررات نشان می‌دهد که محدودیت‌های شفافیت در این مقررات، با استانداردهای حقوقی مطرح در اسناد بین المللی هم خوانی دارد و محدودیت‌ها ناظر به عناوینی چون حریم خصوصی، امنیت و مصالح عمومی دولت و مانند اینهاست. با این حال، از آنجا که قوانین کشور مبتنی بر مقررات اسلامی است و برخی اصطلاحات مربوط



به فقه اسلامی مانند اخلال به مبانی اسلام در این قوانین مطرح شده است، بررسی موضوع از دیدگاه اسلامی و بویژه معارف قرآنی اهمیت و ضرورت دارد. در این خصوص نیز بدست آمد که محدودیت‌های اصل شفافیت در دیدگاه قرآن، به طور عمده یا در حوزه حقوق عمومی افراد و جامعه تعریف شده است و مصادیقی چون اضرار به دیگران، حریم خصوصی و مصالح حکومتی را شامل می‌شود و یا مربوط به مبانی اعتقادی است که هر گونه اظهار نظر و بیان امور جامعه نباید جنبه توهین و استخفاف عقاید و مقدسات اسلامی داشته باشد که این امر نیز می‌تواند به همان مسأله «حقوق عمومی» برگردد. در این صورت حفظ احترام مقدسات اسلامی، مسأله‌ای مربوط به منافع کل جامعه است و تحت نظم و امنیت عمومی قرار می‌گیرد. در این چارچوب است که محدودیت‌های شفافیت از منظر اسلامی در قالب مفاهیم کلی‌تر مانند آزادی بیان و نشر بررسی شده است و معیارهای عام بدست آمده را به قلمرو شفافیت تعمیم داده ایم. بنابر این، شفافیت و در نتیجه محدودیت‌های آن در این مقاله در مفهوم عام آن مورد توجه بوده است به این معنا که گردش اطلاعات و آرایه آن از سوی مقامات عمومی، هر گونه نقد و اظهار نظر از سوی آحاد جامعه راجع به تصمیمات و اقدامات دولت و البته دسترسی به اسناد، همه جنبه‌هایی از شفافیت است که مشمول محدودیت‌های مورد اشاره نیز خواهد بود. در نتیجه آنچه که امروز با انتشار عکس، فیلم، اسرار زندگی خصوصی و مانند اینها به عنوان گردش اطلاعات، افشاگری و شفاف سازی امور عمومی صورت می‌گیرد باید با رعایت محدودیت‌های مورد بحث این تحقیق و مندرج در قوانین باشد. در این سیاق، نگارندگان این تحقیق ضمن تاکید بر ضرورت ترویج گفتمان شفافیت و کمک به اجرای آن، فرهنگ سازی و رعایت محدودیت‌های قانونی بویژه در مواردی که مورد تاکید منابع اسلامی است ضروری و مهم میدانند.

منابع:

قرآن کریم
نهج البلاغه





- (۱) اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۴ ش، صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، تهران، چ ۱، ج ۱.
- (۲) آیتی، حمید، ۱۳۷۳ ش، آزادی عقیده و بیان، تهران: فردوسی، چ ۱.
- (۳) ابریشم کش، محمدامین، بی تا، شرح مبسوط قانون اساسی (شرح اصل بیست و چهارم).
- (۴) ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۹ ق، لسان العرب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چ ۳.
- (۵) اخوان کاظمی، بهرام، ۱۳۸۵ ش، امنیت در نظام سیاسی اسلام، تهران، کانون اندیشه جوان، چ ۱.
- (۶) اعرافی، علیرضا، ۱۳۸۱ ش، «مبانی و حدود آزادی بیان و مطبوعات»، نامه فرهنگ، ش ۴۴.
- (۷) انصاری، باقر، ۱۳۸۹ ش، «حق دسترسی به اطلاعات و تأثیر آن بر روزنامه نگاری» در: مجموعه مقالات همایش حقوق مطبوعات، تهران: گرایش، چ ۱.
- (۸) انوری، حسن، ۱۳۸۱ ش، فرهنگ بزرگ سخن، تهران، سخن، چ ۱.
- (۹) بحرانی، یوسف، بی تا، الحقائق الناضره فی احکام العتره الطاهره، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، چ ۱، ج ۱۸.
- (۱۰) برقی، احمد بن محمد، ۱۳۷۱ ش، المحاسن، قم، دارالکتب الاسلامیه، چ ۲، ج ۱.
- (۱۱) بلاغی، سید عبدالحجت، ۱۳۸۶ ش، حجه التفاسیر و بلاغ الاکسیر، قم، حکمت، چ ۱، ج ۲.
- (۱۲) بلاغی، محمدجواد، ۱۴۲۰ ق، آلاء الرحمن، قم: بنیاد بعثت، چ ۱، ج ۱.
- (۱۳) پاد، ابراهیم، ۱۳۵۷ ش، حقوق کیفری اختصاصی (جرائم علیه اشخاص)، تهران، دانشگاه تهران، چ ۳.
- (۱۴) تلخابی، مجید؛ تقی خانی، علی، ۱۳۹۰ ش، «تحلیل فقهی مسأله اشاعه فحشا و تطبیق آن با فعالیت های رسانه ای»، فقه و حقوق ارتباطات، ش ۱.
- (۱۵) جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ۱۳۷۸ ش، ترمینولوژی حقوق، تهران، گنج دانش، چ ۱۰.





(۱۶) دهخدا، علی اکبر، ۱۳۳۸ش، لغت نامه دهخدا، تهران، دانشکده ادبیات، ج ۴۷.
(۱۷) راغب اصفهانی، محمد بن حسن، ۱۴۱۲ق، مفردات الفاظ قرآن. محقق صفوان عدنان، بیروت، دارالعلم، چ ۱.

(۱۸) زراعت پیشه، عباس، ۱۳۸۱ش، «بررسی جرم (اهانت به مقدسات اسلام)»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ش ۵۶.

(۱۹) زندیه، حسن؛ سالار سروی، حسن، ۱۳۹۲ش، شفافیت اسنادی و حق دسترسی آزاد به اطلاعات، گنجینه اسناد، سال بیست و سوم، دفتر اول.

(۲۰) ساینس، محمدعلی، بی تا، تفسیر آیات الاحکام، محقق ابراهیم سويدان ناجی، بیروت، المكتبة العصرية، چ ۱، ج ۱.

(۲۱) صادقی تهرانی، احمد، ۱۳۶۵ش، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، قم، انتشارات فرهنگ اسلامی، چ ۲، ج ۱۳.

(۲۲) صافی گلپایگانی، لطف الله، ۱۴۱۶ق، هدایه العباد، قم، دار القرآن الکریم، چ ۱، ج ۱.

(۲۳) طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم، ۱۳۷۸ش، حاشیه المکاسب، قم، اسماعیلیان، چ ۲، ج ۱.

(۲۴) طباطبایی، سید محمد حسین، ۱۴۱۷ق، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، چ ۵، ج ۱۵.

(۲۵) طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲ش، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، محقق: محمد جواد بلاغی، تهران، ناصر خسرو، چ ۳، ج ۷.

(۲۶) طبیب، سید عبدالحسین، ۱۳۷۸ش، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران، اسلام، چ ۲، ج ۳.

(۲۷) عاملی، زین الدین بن علی، ۱۴۱۰ق، الروضه البهیة فی شرح اللمعه الدمشقیه، (المحشی - سلطان العلماء)، قم، کتابفروشی داوری، چ ۱، ج ۹.

(۲۸) عاملی، محمد بن مکی، ۱۴۱۷ق، الدروس الشرعیه فی فقه الامامیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چ ۲، ج ۳.





- (۲۹) عباس زاده، محسن و دیگران، ۱۳۸۵ش، قرآن و حقوق، مشهد، بنیاد پژوهش‌های قرآنی حوزه و دانشگاه، چ ۱.
- (۳۰) عموش عاملی، علی، ۱۳۷۹ش، دایره المعارف اطلاعات و امنیت در آثار و متون اسلامی، مترجم: غلامحسین باقری مهباری و رضا گرمابدری، تهران: دانشگاه امام حسین (ع)، چ ۱، ج ۲.
- (۳۱) عمیدزنجانی، عباسعلی، ۱۳۸۹ش، «بررسی حقوق مطبوعات از دیدگاه قانون اساسی» در: مرکز مطالعات حقوق بشر و انجمن علمی دانشجویی حقوق دانشگاه تهران، مجموعه مقالات همایش حقوق مطبوعات، تهران: گرایش، چ ۱.
- (۳۲) عوده، عبدالقادر، ۱۴۰۵ق، التشریع الجنائی الاسلامی مقارناً بالقانون الوضعی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چ ۴.
- (۳۳) فخررازی، محمد بن عمر، ۱۴۲۰ق، مفاتیخ الغیب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چ ۳، ج ۲۳.
- (۳۴) فضل الله، سید محمدحسین، ۱۴۱۹ق، تفسیر من وحی القرآن، بیروت، دارالملاک، چ ۲، ج ۱۲.
- (۳۵) قانع، احمد علی، ۱۳۸۱ش، «بررسی معنا و مفهوم «ضلال» یا «ضاله» به کار رفته در عبارت «حرمت کتاب ضاله»، علوم انسانی، ش ۲۴.
- (۳۶) قرطبی، محمد بن احمد، ۱۳۶۴ش، الجامع لاحکام القرآن، تهران، ناصر خسرو، چ ۱، ج ۵.
- (۳۷) قطبی، میلاد، ۱۳۹۲ش، آزادی و محدودیت‌های آن، با تأکید بر اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران، پژوهشکده شورای نگهبان، چ ۱.
- (۳۸) کردنژاد، نسرین، ۱۳۸۵ش «بررسی اصول حکمرانی مطلوب در قرآن و حقوق عمومی»، رساله دکتری، دانشگاه قم.
- (۳۹) کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ق، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چ ۴، ج ۸، ۴، ۲.
- (۴۰) کی نیا، مهدی، ۱۳۷۳ش، مبانی جرم‌شناسی، تهران، دانشگاه تهران، چ ۴.



✱ (۴۱) مرتضوی، سعید، ۱۳۸۶ش، جرایم مطبوعاتی، تهران، شرکت چاپ و نشر بین الملل، چ ۱.

(۴۲) مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ۱۳۸۲ش، دایره المعارف قرآن کریم، قم، بوستان کتاب، چ ۱، ج ۳.

(۴۳) مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۸۱ش، آزادی (ناگفته‌ها و نکته‌ها)، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چ ۱.

(۴۴) مصطفوی، حسن، ۱۴۳۰ق، التحقيق في كلمات القرآن الكريم، بیروت، دارالکتب العلمیه، چ ۳، ج ۹.

(۴۵) مصلحی، حیدر؛ سجادی، سید احمد، ۱۳۹۲ش، مدیریت و امنیت، اصفهان، مرکز تحقیقات رایانه‌ای حوزه علمیه اصفهان، چ ۱، ج ۱.

(۴۶) معین، محمد، ۱۳۶۰ش، فرهنگ معین، تهران، امیر کبیر، چ ۴، ج ۱.

(۴۷) مقدس اردبیلی، احمد بن محمد، بی تا، مجمع الفائده و البرهان فی شرح ارشاد الاذهان، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ج ۸.

(۴۸) مکارم شیرازی، ناصر، ۱۴۲۷ق، استفتائات جدید، قم، مؤسسه امام علی بن ابیطالب (ع)، چ ۲، ج ۳.

(۴۹) -----، ۱۴۲۶ق، انوار الفقاهه، قم، انتشارات مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع)، چ ۱.

(۵۰) -----، ۱۳۷۴ش، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چ ۱.

(۵۱) موسوی بجنوردی، سید حسن، ۱۴۱۹ق، القواعد الفقهیه، قم، الهادی، چ ۱، ج ۵.

(۵۲) موسوی خمینی، سید روح الله، بی تا، تحریر الوسيله، قم، دارالعلم، چ ۱، ج ۱.

(۵۳) میرمحمد صادقی، حسین، ۱۳۸۰ش، جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی، تهران، میزان، چ ۱.

(۵۴) نجفی، محمد حسن، ۱۹۱۸م، جواهر الکلام، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چ ۷، ج ۲۲.

(۵۵) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، ۱۴۱۱ق، اسباب النزول القرآن، محقق کمال یسنونی زغلول، بیروت، دار الکتب العلمیه، چ ۱.





(۵۶) ویژه، محمدرضا، ۱۳۸۹ش، «مبانی محدودیت‌های آزادی مطبوعات در قانون اساسی و تجلی آن در قانون مطبوعات» درج در: مجموعه مقالات همایش حقوق مطبوعات، تهران، گرایش، چ ۱.

(۵۷) ویژه، محمدرضا؛ طاهری، آزاده سادات، ۱۳۹۰ش، «تحلیلی بر قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات»، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، ش ۳۵.

(۵۸) هاشمی، سید محمد، ۱۳۸۴ش، حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، تهران، نشر میزان،

چ ۱.

- 59) Bojan, Bugaric (1975), openness and Transparency in public Administration : challenges for public law , Wisconsin International law Journal , vol .22, no 3.
- 60) Friedl Weiss silke, steiner(2006) Transparency as an Element of Good Governance in the practice of the EU and the WTO: Overview and Comparison, Fordham International Law Journal, vol 30, Issue 5.
- 61) Koufman, Daniel and Bellver, Ana (2005), "Transparencing Transparency: Initial Empirics and Policy Applications" Munich Personal Repfc Archive.
- 62) Lisa Philipps and Miranda stewart (2009) , fiscal Transparency : Global norms Domestic laws , and The politics of Budgets . Brook. J. INT, IL VOL , 34:
- 63) www.Transparency .org.
- 64) Oxford Dictionary at :<https://en.oxforddictionaries.com>

